



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطره
جستاری در علل ظهور عمل گرایي در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی

Behrokh Ganji

PhD student in Media Management, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

بهرخ گنجی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Behrokh.Ganji1391mg@gmail.com

Mohammad Gharibshah

PhD in Social Communication Sciences, Department of Communication, Faculty of Humanities and Law, Isfahan Islamic Azad University, Isfahan, Iran

محمد غریب شاه

دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، گروه ارتباطات، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران
gharibshah.mohammad@gmail.com

Abstract

Today, artificial intelligence, using its capabilities such as the ability to process text, images, etc., has many uses in education, health, career development, personal affairs, and even law, and one of its applications can be given to analysis. Raw materials for conducting research, content production, discovering and identifying diseases, marketing, etc. Therefore, with the speed which artificial intelligence is developing and its traces can be found everywhere in our lives and work, in the not so distant future it will cover an important part of our lives. Therefore, it is important to know the paths and challenges facing the future of artificial intelligence rights. In this regard, this research discusses the field of related artificial intelligence rights. It also considers what kinds of regulatory issues national and international AI projects can add to the current digital rights discourse. Based on the literature of artificial intelligence rights, this research points out other problems related to the mentality of artificial intelligence rights and the real personality of artificial intelligence, which have not yet been recognized in digital law.

Keywords: Digital Rights, Artificial Intelligence Rights, International, Privacy, Intellectual Property.

چکیده

امروزه هوش مصنوعی با استفاده از قابلیت‌های خود همانند قابلیت پردازش متن، تصویر و... کاربردهای زیادی در آموزش، بهداشت و سلامت، توسعه شغلی، امور شخصی و حتی حقوق داشته و از جمله کاربردهای آن می‌توان به تجزیه و تحلیل داده‌های خام برای انجام تحقیق، تولید محتوا، کشف و شناسایی بیماری‌ها، بازاریابی و... اشاره کرد. بنابراین هوش مصنوعی با شتابی که در حال پیشرفت است و رد پایش در جای‌جای زندگی و کارمان پیدا است، در آینده‌ای نه‌چندان دور بخش مهمی از زندگی ما را در بر خواهد گرفت. از این رو، شناخت مسیرها و چالش‌های پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی اهمیت دارد. در این راستا این پژوهش در حوزه حقوق هوش مصنوعی مرتبط به بحث می‌پردازد، همچنین در نظر می‌گیرد که پروژه‌های هوش مصنوعی در سطح ملی و بین‌المللی چه نوع مسائل نظارتی را می‌توانند به گفتمان حقوق دیجیتال فعلی اضافه کنند. این پژوهش با تکیه بر ادبیات حقوق هوش مصنوعی، به مشکلات دیگری در رابطه با ذهنیت حقوق هوش مصنوعی و شخصیت حقیقی هوش مصنوعی اشاره می‌کند که هنوز در حقوق دیجیتال به رسمیت شناخته نشده است.

واژگان کلیدی: حقوق دیجیتال، حقوق هوش مصنوعی، بین‌الملل، حریم خصوصی، مالکیت معنوی.

Received: 2024/11/05 - Review: 2025/02/04 - Accepted: 2025/02/23

بازنشر مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ - دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵

ارجاع: گنجی، بهرخ؛ غریب شاه، محمد؛ (۱۴۰۳)، مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.
Copyrights: Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.  CC BY-NC-SA


مقدمه

در این که هوش مصنوعی یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در تمامی شاخه‌های علوم فراگیری است، شکی نیست. تصور این که ماشین‌ها بتوانند از نظر هوش و ادراک با انسان هم‌سطح شوند، در طول چندین دهه ذهن بسیاری از نویسندگان و دانشمندان را به خود مشغول کرده است. از سیستم کامپیوتری موجود در فیلم ادیسه فضایی^۱ گرفته تا اندرویدهای فوق بشری در جهان غرب، همه و همه ثابت می‌کنند که هوش مصنوعی، سطح گسترده‌ای از تخیلات انسانی را شامل می‌شده است. از طرفی مطالعه قانون و فناوری اطلاعات با یک تناقض ذاتی همراه است، زیرا در حالی که فناوری مفاهیمی مانند بین‌المللی شدن و جهانی‌سازی را در بر می‌گیرد، قانون، در بیشتر موارد، هنوز تا حدی محدود به مرزهای ملی است. تخطی از این تناقض تا حدی، مفهوم حاکمیت قانون است که در درون خود این ایده را دارد که «حکومت قانون برای همه خوب است»، نگرشی که ظاهراً از حمایت بین‌المللی برخوردار است.

پذیرفته شده است که این حمایت قاطع از حاکمیت قانون مبتنی بر تفاسیر متفاوت از چستی حاکمیت قانون است و در برخی موارد حتی ممکن است توسط کسانی ربوده شود که می‌خواهند از آن به‌عنوان پرده‌ای برای پنهان کردن اعمالی استفاده کنند که با آرمان‌های آن در تضاد است. با این وجود، در بیشتر

1- Space Odyssey

موارد، حاکمیت قانون همچنان آرمان وجود را دارد، مشابه مفهوم «خوب»، به این معنا که همه طرفدار آن هستند، اما اعتقادات متضادی درباره چستی آن دارند. با این حال، با دیجیتالی شدن روزافزون جامعه، دومین تهدید پنهان‌تر در حال افزایش است. این تهدید ناشی از فناوری است، به ویژه فناوری حاوی عناصر هوش مصنوعی.

از آن جایی که گام‌های بزرگی در رشته دانشگاهی هوش مصنوعی برداشته می‌شود، این فناوری راه خود را به سیستم‌های تصمیم‌گیری دیجیتالی باز می‌کند، که به نوبه خود جایگزین تصمیم‌گیرندگان انسانی، مؤسسات، اعم از دولتی و خصوصی می‌شوند که به دنبال افزایش اثربخشی هستند. تصمیم‌گیری انسانی در حال حاضر توسط سیستم‌های تصمیم‌گیری دیجیتالی کمک می‌کند و این عملکرد به طور فزاینده‌ای به ماشین‌ها داده می‌شود، حوزه حکمرانی از این قاعده مستثنی نیست. تهدید حاکمیت قانون در این واقعیت نهفته است که بیشتر این سیستم‌های تصمیم‌گیری «جعبه‌های سیاه» هستند، زیرا از فناوری بسیار پیچیده‌ای استفاده می‌کنند که اساساً فراتر از ظرفیت‌های شناختی انسان است و قانون نیز تا حدی مانع از شفافیت می‌شود. در این جا است که تحقق خواسته‌های حاکمیت قانون، مانند بینش، شفافیت، انصاف و توضیح‌پذیری تقریباً غیرممکن است که به نوبه خود سؤالاتی را در مورد این که تا چه حد حاکمیت قانون یک مفهوم قابل اجرا در جامعه تکنوکراتیک است، ایجاد می‌کند.

بنابراین، با توجه به این که در سال‌های اخیر به ویژه یک سال گذشته رشد هوش مصنوعی زیست اجتماعی بشر را رقم زده است، این سؤال و مسئله اصلی مطرح است که مسیر حقوقی و چالش‌های قانونگذاری در آینده هوش مصنوعی چیست؟ آیا با تنظیم‌گری این فناوری برای آینده و زندگی بشر یک فرصت باقی خواهد ماند؟ روش تحقیق حاضر از نوع، کتابخانه‌ای و اسنادی است. داده‌ها از میان معتبرترین و جدیدترین مطالعات علمی داخلی و خارجی با محوریت حقوق هوش انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۱- پیشینه تحقیق

هانیه ذاکری نیا، (۱۴۰۲)، ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در قوانین ایران و اعضای اتحادیه اروپا. امروزه تطبیق مقررات با چالش‌های فناوری جدید ضروری است. بنابراین، انتخاب یک رژیم مسئولیت مدنی روشن و منسجم برای هوش مصنوعی بسیار حیاتی خواهد بود. قوانین ملی

متفاوت هستند و درجات مختلفی از انعطاف‌پذیری را برای سازگاری با چالش‌های هوش مصنوعی ارائه می‌دهند. مسئولیت مبتنی بر تقصیر یک فرض کلی در اکثر سیستم‌های حقوقی اروپایی است. در حقوق ایران، مسئولیت هوش مصنوعی را می‌توان به عنوان مسئولیت اعمال دیگران بر اساس استناد عرفی توضیح داد. وقتی چندین مسئول وجود دارد، مسئولیت مشترک قابل توجیه است.

محمد مهدی داور، (۱۴۰۲)، مجازانگاری استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی با استفاده از نظریه فارابی درباره حقوق طبیعی و سعادت. بحث از هوش مصنوعی به عنوان یک پدیده نوظهور در عصر حاضر همواره با چالش‌های متعدد اخلاقی روبرو بوده است. گسترش هوش مصنوعی یک امر اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و از آن جهت که این پدیده با جهان انسانی و اجتماعی در ارتباط است و هر امری که با انسان و اجتماع در ارتباط باشد وارد حوزه اخلاق و حقوق می‌باشد بنابراین باید دانست که آیا استفاده از هوش مصنوعی یک امر اخلاقی می‌باشد یا خیر؟ و همچنین آیا انسان‌ها حق استفاده از آن را دارند یا خیر؟ به نظر می‌رسد که اندیشه فارابی در حوزه حکمت عملی می‌تواند جوابگوی این مسئله باشد. با تأمل در نظریات این فیلسوف برجسته در حکمت مدنی نظریه حقوق طبیعی دریافت می‌شود و از سوی دیگر آراء اخلاق فارابی نیز با نظریه حقوق طبیعی و به صورت کلی با حکمت مدنی فارابی دارای هماهنگی می‌باشند. بنابراین، می‌توان با عینک مکتب اخلاقی و مدنی فارابی به این مسئله نظر نموده و آن را تبیین کرد.

آناهیتا سیفی و نجمه رزمخواه، (۱۴۰۱)، هوش مصنوعی و چالش‌های پیش رو در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر، با رویکردی بر حق کار. با وجود مزایای مختلف «هوش مصنوعی» در زندگی روزمره بشر، جهان شاهد آثار نامطلوب ناشی از توسل به آن در حوزه‌های متعدد از جمله امنیت شغلی قشر ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه به دلیل خودکار نمودن برخی مشاغل بوده است؛ موضوعی که می‌تواند نقض یکی از حقوق بنیادین بشری، یعنی حق کار را با خود به همراه داشته باشد، اما طبق مفاد منشور بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها نه تنها وظیفه دارند حق بهره‌مندی از کار شایسته را اجرا و تأمین نمایند، بلکه باید از ایجاد هر گونه مانع در فرآیند بهره‌مندی از این حق نیز خودداری کنند. از این رو، پرسش اصلی آن است که در تقابل میان منافع ناشی از توسل به هوش مصنوعی و حق بنیادین بر کار و داشتن امنیت شغلی چه باید کرد؟ مسلم است با توجه به تعهداتی که دولت‌ها در راستای تأمین و اجرای حق کار دارند، باید ضمن فراهم نمودن شرایط لازم جهت تأمین رفاه و موقعیت شغلی جدید برای افرادی که به دلیل خودکار شدن برخی مشاغل، شغل خود را از دست داده‌اند، امکاناتی را فراهم کنند که آموزش‌های لازم در جامعه جهت آشنایی هر چه بیشتر با هوش

مصنوعی و کاربردهای آن با هدف افزایش بهره‌وری این فناوری نوین در جامعه برقرار گردد.

استنلی گرینشتاین^۲، (۲۰۲۲)، حفظ حاکمیت قانون در عصر هوش مصنوعی. مطالعه قانون و فناوری اطلاعات با یک تناقض ذاتی همراه است، زیرا در حالی که فناوری به سرعت توسعه می‌یابد و مفاهیمی مانند بین‌المللی شدن و جهانی شدن را در بر می‌گیرد، قوانین سنتی در اکثر موارد می‌تواند در واکنش به تحولات فناوری کند باشد و همچنین عمده‌تاً محدود به ملی است. با این حال، یک تهدید جدی برای حاکمیت قانون در قالب یک حمله توسط پیشرفت‌های فناوری در هوش مصنوعی در حال ظهور است. از آن جایی که گام‌های بزرگی در رشته دانشگاهی هوش مصنوعی برداشته می‌شود، این فناوری راه خود را به سیستم‌های تصمیم‌گیری دیجیتال باز می‌کند و در واقع جایگزین تصمیم‌گیرندگان انسانی می‌شود. نمونه بارز این پیشرفت، استفاده از هوش مصنوعی برای کمک به قضات در تصمیم‌گیری قضایی است. با این حال، در بسیاری از شرایط، این فناوری عمده‌تاً به دلیل پیچیدگی و همچنین به دلیل محافظت از آن توسط قانون، یک جعبه سیاه است. این فقدان شفافیت و کاهش توانایی درک عملکرد این سیستم‌ها که به طور فزاینده‌ای توسط ساختارهای حاکمیتی استفاده می‌شود، مفاهیم سنتی حاکمیت قانون را به چالش می‌کشد. این امر به ویژه در رابطه با مفاهیمی که به ویژه با حاکمیت قانون مرتبط است، مانند شفافیت، انصاف و قابل توضیح است.

سیلویا وویتچاک^۳، (۲۰۲۲)، اعطای ذهنیت قانونی به هوش مصنوعی. این مقاله به مشکل اعطای ذهنیت حقوقی به هوش مصنوعی به ویژه با توجه به قانون مدنی می‌پردازد. باید این افسانه را رد کرد که معیارهای ذهنیت حقوقی احساس و عقل است. این استدلال که هوش مصنوعی ممکن است بر اساس تشبیه به حیوانات یا اشخاص حقوقی دارای ذهنیت قانونی بالقوه باشد، وجود یک سلسله مراتب یا دنباله‌ای از موجودیت‌ها را نشان می‌دهد که بر اساس درجه شباهت آن‌ها به انسان‌ها سازمان‌دهی شده است. همچنین، این که مکان یک موجودیت در این سلسله مراتب، محدوده ذهنیت متناسب به آن را تعیین می‌کند. بلکه مشارکت یا حضور در زندگی اجتماعی، هر نقشی که باشد، ملاک واقعی ذهنیت است. علاوه بر این، واضح است که حتی اگر هوش مصنوعی در حال حاضر مشارکت قابل توجهی در زندگی اجتماعی نداشته باشد، در آینده نزدیک خواهد بود. به رغم خطرات بالقوه مرتبط با اعطای نوعی ذهنیت

2- Stanley Greenstein

3- Sylwia Wojtczak

به هوش مصنوعی، چنین دوره‌ای اجتناب‌ناپذیر است و باید زودتر از آن در نظر گرفته شود.

۲- هوش مصنوعی؛ تعریف و مفهوم

تصویر زیر درک بهتری از تعریف هوش مصنوعی بیان می‌کند. یادگیری ماشین و یادگیری عمیق شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. شباهت این دو بخش آن جایی است که هر دو از الگوریتم‌ها استفاده می‌کنند تا ماشین‌هایی با کارکردهای ویژه طراحی کنند که نیازی به دخالت عامل انسانی نداشته باشند. اما مهم‌ترین تفاوت یادگیری عمیق و یادگیری ماشین این است که در یادگیری عمیق الگوریتم‌ها لایه‌های بیشتری دارند و پیچیده‌ترند. بنابراین هوش مصنوعی^۴، برنامه‌ای است که از هوش انسانی الهام گرفته است و روی ماشین‌ها پیاده‌سازی می‌شود. به این ترتیب ماشین می‌تواند همان کارهایی را که یک انسان انجام می‌دهد را در زمانی کوتاه‌تر و با دقتی بیشتر انجام دهد (داور، ۱۴۰۲).



شکل شماره ۱. تفاوت سه مفهوم هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و یادگیری عمیق

برنامه‌ها اغلب روی سیستم‌های کامپیوتری پیاده‌سازی می‌شوند و به واسطه این برنامه، کامپیوتر می‌تواند در مورد مسائلی که در اختیارش قرار می‌دهند تصمیم بگیرد، برنامه‌ریزی کند یا نتیجه را پیش‌بینی کند. اجزا و کاربردهای هوش مصنوعی:

اول- بینایی ماشین:^۵ فناوری است که می‌کوشد نوعی از بینایی را برای ماشین فراهم آورد. بینایی ماشین در فرایندهای گوناگون صنعتی از تشخیص چهره، تحلیل ویدئو و تشخیص اشیاء تا تشخیص الگو استفاده می‌شود.

4- Artificial Intelligence

5- Machine vision

دوم- پردازش گفتار: ^۶ سیستم‌های پردازش گفتار این امکان را برای ماشین‌های هوشمندی، چون اسمارت‌فون‌ها، فراهم می‌کنند که از طریق زبان گفتاری با کاربران ارتباط برقرار کنند. احتمالاً معروف‌ترین تکنولوژی بازشناسی گفتار که اسمش را شنیده‌اید ^۷ محصول اپل باشد.

سوم- داده‌کاوی: ^۸ همان‌طور که از نامش نیز مشخص است به حوزه تحلیل داده‌ها، به‌ویژه داده‌های کلان، مربوط است. در واقع، در داده‌کاوی تلاش می‌شود کار مربوط به استخراج الگو از داده‌ها را به ماشین‌ها سپرد. با همین توضیح کوتاه هم می‌شود دانست که داده‌کاوی چقدر می‌تواند مهم باشد، چرا که الگوهای استخراج شده از داده‌های کسب‌وکارها می‌تواند اطلاعات بسیاری مفیدی برای برنامه‌های آتی شرکت‌ها فراهم آورد. این شاخه از هوش مصنوعی، ترکیبی از ابزارهای آماری و هوش مصنوعی با مدیریت مجموعه داده‌ها است. داده‌کاوی معمولاً در کسب‌وکار (بیمه، بانکداری و...)، پژوهش‌های علمی (نجوم و پزشکی) و مسائل مربوط به امنیت (تشخیص مجرمان و تروریست‌ها) کاربردهای گسترده‌ای دارد.

چهارم- پردازش زبان طبیعی: ^۹ پردازش زبان طبیعی آموزش زبان انسانی به ماشین‌ها است. این بخش از هوش مصنوعی جایی است که زبان طبیعی و زبان‌های مصنوعی (مانند زبان‌های برنامه‌نویسی) با هم پیوند می‌خورند. تلاش‌ها برای پردازش زبان با کمک کامپیوترها به نسبت بسیاری از شاخه‌های هوش مصنوعی عمر طولانی‌تری دارد.

پنجم- یادگیری ماشین: ^{۱۰} یادگیری ماشین و مفاهیم مربوط به آن، از زیرشاخه‌های هوش مصنوعی هستند که به توانایی یادگیری ماشین‌ها مربوط می‌شود؛ در واقع ماشین‌ها قادرند به‌صورت خودکار به یادگیری و پیشرفت پردازند بدون این که از قبل برای یادگیری آن‌ها برنامه‌نویسی صورت گرفته باشد. بنابراین، ماشین‌ها در مکان‌های مختلف قادر به کار با داده‌ها هستند و می‌توانند با داده‌های دریافت شده به ارتقای یادگیری خود پردازند. یادگیری ماشین یادگیری اتوماتیک کامپیوترها است و هدف از آن، این است که کامپیوترها در اثر کار با داده‌ها به الگوهای جدیدی دست پیدا کنند و تصمیمات بهتری بگیرند. از یادگیری ماشینی اکنون در هر صنعت و شغلی استفاده می‌شود.

6- Speech processing

7- Siri

8- Data Mining

9- nlp

10- Machine Learning

بنابراین چهار گروه اصلی سیستم هوش مصنوعی، با عنوان: اول- «ماشین‌های واکنشی» ابتدایی‌ترین نوع هوش مصنوعی، دوم- «حافظه محدود» با قدرت تصمیم‌گیری، سوم- «نظریه ذهن» با توانایی سنجش افکار، چهارم- «هوش مصنوعی خودآگاه» با توانایی شهود و همدلی وجود دارد و مراحل تکامل این فناوری همپنان و مداوم پیموده می‌شود.

هوش مصنوعی به طور کلی به هر رفتاری شبیه انسان که توسط یک ماشین یا سیستم انجام می‌شود، اشاره دارد. در ابتدایی‌ترین شکل هوش مصنوعی، رایانه‌ها به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده‌اند که با استفاده از داده‌های گسترده از نمونه رفتارهای مشابه، رفتار انسان را «تقلید» کنند. این رفتار می‌تواند از تشخیص تفاوت بین یک گربه و یک پرند تا انجام فعالیت‌های پیچیده در یک مرکز تولیدی، متغیر باشد. با هوش مصنوعی، ماشین‌ها می‌توانند به طور مؤثر کار کنند و حجم وسیعی از داده‌ها را در یک چشم به هم زدن تجزیه و تحلیل کنند و مشکلات را از طریق یادگیری بانظارت، بی‌نظارت یا نیمه‌نظارت حل کنند.

۳- تاریخچه هوش مصنوعی در ایران

از تولد هوش مصنوعی، زمان زیادی نمی‌گذرد. بر همین مبنا این رشته از اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی به کشورمان وارد شد. سپس در کشورمان متخصصین بسیاری به کاوش‌های نظری درباره آن پرداختند، به نحوی که بر اساس حجم تولیدات علمی که داشته‌ایم، به رتبه سیزدهم جهان در زمینه نظریه‌پردازی هوش مصنوعی دست یافتیم. در ایران زنده‌یاد، دکتر کارو لوکاس که در سال ۱۳۲۸ در اصفهان دیده به جهان گشود، پیش‌گام معرفی و توسعه رشته هوش مصنوعی و رباتیک در کشورمان بود. ایشان به جهت فعالیت‌های بسیار در رشته‌های مختلف علوم محض نظیر محاسبات، ریاضیات، احتمالات و علوم مهندسی نظیر رباتیک، مورد توجه محافل علمی جهان واقع شده بود. دکتر لوکاس از سال ۱۳۸۱ برای تدریس رشته رباتیک و هوش مصنوعی، پس از سال‌ها فعالیت علمی در غرب، در دانشگاه تهران برنامه‌های علمی خود را آغاز کرد.

اما اگر چه تولیدات علمی و نظری هوش ماشینی در کشورمان گذشته کوتاهی داشته و به‌واقع تاریخچه هوش مصنوعی در ایران عمر چندانی ندارد، اما بر اساس تولیدات و مستندات علمی عمیقی که از سوی دانشمندان علاقه‌مند ایرانی ایجاد شد، بدون تردید می‌توان آینده‌ای درخشان را برای این رشته از علم در ایران متصور بود (داور، ۱۴۰۲).

۴- حقوق و هوش مصنوعی از دیدگاه قانونگذاری

یکی از چالش‌هایی که گسترش هوش مصنوعی ایجاد می‌کند، لزوم قانونگذاری در این حوزه نوظهور می‌باشد. هر پدیده تازه‌ای در جوامع، نیازمند قوانین است که حقوق اشخاص را تعیین و تضمین نماید. هرچند که در نگاه اول و در مواردی می‌توان قوانین فعلی را بر پدیده‌های تازه نیز اعمال کرد، اما قطعاً نیاز به قوانین جدید با توجه به نوآوری‌های ایجاد شده نیز احساس می‌شود. برای مثال، جعل هویت با استفاده از هوش مصنوعی راحت‌تر شده و افزایش می‌یابد و جرایم حوزه فضای مجازی که با استفاده از هوش مصنوعی رخ می‌دهد نیاز به مقررات دقیق برای جلوگیری و کنترل آن دارد.

با گسترش برنامه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و استفاده از آن در مشاغل مختلف، موضوعاتی مانند مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات و عملکرد هوش مصنوعی نیز بسیار مورد توجه و محل بحث و تحقیق خواهد بود. اگر عملی که هوش مصنوعی انجام داده باشد به شخصی آسیب برساند، مسئولیت آن بر عهده کیست؟ موردی که در فناوری ماشین‌های خودران نیز محل جدل‌های فراوان بوده است که اگر ماشینی در حالت خودران تصادف کند، مسئولیت آن بر عهده چه کسی می‌باشد؟ همچنین در بحث مالکیت فکری نیز مواردی مطرح می‌شود، مانند آن که اگر هوش مصنوعی به مرحله‌ای برسد که بتواند آثار و اختراعات خود را داشته باشد، بحث حقوق مالکیت فکری آن به چه شکل خواهد بود؟ تمام این موارد و بسیاری موضوعات دیگر محل تحقیقات و بحث‌های زیادی خواهد بود تا برای پرسش‌ها و چالش‌های پیش رو در این حوزه، پاسخ و راه‌حلی مناسب اتخاذ شود (سیفی و رزمخواه، ۱۴۰۱).

۵- مفاد کنوانسیون ۲۰۲۴ میلادی هوش مصنوعی

سازمان حقوق بشر شورای اروپا اعلام کرد که اولین معاهده بین‌المللی الزام‌آور حقوقی هوش مصنوعی، در سال ۲۰۲۴ میلادی به تصویب اعضای اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و انگلستان قرار گرفت. این کنوانسیون هوش مصنوعی که از چند سال قبل در دست تدوین است، در ماه مه و پس از بحث و گفت‌وگو بین پنجاه و هفت کشور به تصویب رسید. در این کنوانسیون ضمن ترویج نوآوری مسئولانه، به خطرات احتمالی هوش مصنوعی نیز پرداخته شده است. این کنوانسیون عمدتاً بر حفاظت از حقوق بشر در قبال افراد متأثر از سیستم‌های هوش مصنوعی متمرکز است و جدا از قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا است. قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا شامل مقررات جامعی در مورد توسعه، استقرار و نحوه استفاده از

سیستم‌های هوش مصنوعی در بازار داخلی اتحادیه اروپا است. وزیر دادگستری انگلستان^{۱۱} در بیانیه‌ای در این رابطه گفت: «این کنوانسیون گامی بزرگ برای اطمینان از این است که این فناوری‌های جدید بتوانند بدون از بین بردن قدیمی‌ترین ارزش‌های ما، از جمله حقوق بشر و حاکمیت قانون، مورد استفاده قرار گیرد و در صورت لزوم مهار شود».

شورای اروپا که سال ۱۹۴۹ میلادی تأسیس شد یک نهاد بین‌المللی متمایز از اتحادیه اروپا است که عمدتاً در زمینه حفاظت از حقوق بشر فعالیت می‌کند. در این نهاد بین‌المللی که بر پایه گسترش مردم‌سالاری، حقوق بشر، زمامداری قانون و بهره‌برداری از همکاری‌های فرهنگی دایر شده است چهل و هفت کشور از جمله بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا عضویت دارند. کمیته ویژه‌ای در این نهاد در سال ۲۰۱۹ میلادی بررسی‌های لازم برای امکان تدوین یک کنوانسیون در زمینه هوش مصنوعی را آغاز کرد و این روند در سال ۲۰۲۲ میلادی با تشکیل کمیته‌ای دیگر برای تدوین متن کنوانسیون و پی‌گیری مذاکرات بر سر مفاد آن دنبال شد.

۶- یافته‌ها

پس از بررسی موضوع پژوهش، عوامل مهم در رابطه با «چالش‌های آینده حقوق هوش مصنوعی» استنتاج شد که عبارتند از:

۱-۶- امکان سوءاستفاده از قدرت

استدلال کرایگر، این است که حاکمیت قانون اساساً به قدرت مربوط می‌شود، جایی که هدف اصلی آن حاکم کردن قانون است تا از احتمال سوءاستفاده از قدرت توسط کسانی که از این قدرت به شیوه‌ای خودسرانه استفاده می‌کنند، جلوگیری کند. وی بیان می‌کند که راه‌های زیادی برای اعمال قدرت وجود دارد و باید از راه‌های خودسرانه پرهیز کرد. در این زمینه است که معیار کمیسیون ونیز برای «پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت» مرتبط است.

بین تعریف حاکمیت قانون از یک سو از دریچه قدرت و از سوی دیگر مفهوم تعامل متقابل همبستگی وجود دارد. برای شکوفایی روابط متقابل، تعادل خاصی در رابطه قدرت بین حاکمان لازم است. با این حال، استدلال می‌شود که انتقال حکومت به فناوری، مانند آنچه در پرونده لومیس شاهد

بودیم، انحصار دسترسی به فناوری را به همراه دارد. اساساً فقط کسانی که حکومت می‌کنند منابع لازم برای تولید یا خرید فناوری را دارند که برای تصمیم‌گیری در مورد شهروندان استفاده می‌شود. این عدم تعادل دائماً فزاینده، حاکمان را به نفع کسانی که حکومت می‌کنند، ناتوان می‌کند. به عنوان مثال، با انحصار قدرت بر فناوری در دستان حاکمان، خطر عدم محدودیت اختیارات اجرایی افزایش می‌یابد که این مغایر با حاکمیت قانون است که توسط کمیسیون ونیز بیان شده است. علاوه بر این، جنبه‌ای از سوءاستفاده از قدرت که توسط کمیسیون ونیز شناسایی شده است، تصمیمات غیرمنطقی است.

با این حال، تصمیمات اتخاذ شده توسط هوش مصنوعی تا چه اندازه می‌توانند به عنوان «غیر منطقی» به چالش کشیده شوند، در حالی که ابتدا نمی‌توان آن‌ها را درک کرد، اما همچنین زمانی که عقلانیت انسانی لزوماً پیش نیاز یک راه‌حل الگوریتمی نیست آخرین پیچیدگی در تعادل قدرت این واقعیت است که تولیدکنندگان فناوری هوش مصنوعی بازیگران خصوصی هستند، تعادل قدرت اساساً باید بین سه نهاد به دست آید، یعنی آن‌هایی که حکومت می‌کنند، آن‌هایی که اداره می‌شوند و شرکت‌های خصوصی که فناوری را برای میانجیگری توسعه می‌دهند. کمیسیون ونیز تشخیص می‌دهد که ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که بازیگران خصوصی از اختیاراتی استفاده کنند که به طور سنتی توسط دولت‌ها اعمال می‌شد. با این حال، نمونه‌های ارائه شده شامل مدیریت خدمات زندان است و استدلال می‌شود که موقعیت‌هایی که بازیگران خصوصی اختیار قضاوت قضات را در اختیار می‌گیرند، هرگز پیش‌بینی نشده است.

۲-۶- به چالش کشیدن حمایت‌های قانون‌های سنتی

افزایش استفاده از هوش مصنوعی برای پیش‌بینی رفتار انسان، به‌ویژه رفتار مجرمانه، برخی مفاهیم حقوقی سنتی را نیز به چالش می‌کشد. یکی از مفاهیم حقوقی که مورد اعتراض قرار می‌گیرد این است که متهم تا زمانی که گناهش ثابت شود بی‌گناه تلقی می‌شود. به عنوان مثال، استفاده از ارزیابی خطر الگوریتمی در محاکمات جنایی به منظور تعیین تکرار جرم، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا متهم در یک جرم بالقوه مجرم شناخته می‌شود؟، یعنی تمایل به ارتکاب جرم قبل از وقوع واقعی آن. این در اصول^{۱۲} به رسمیت شناخته شده است که تشخیص می‌دهد هیچ جرم یا مجازاتی بدون قانون وجود ندارد، این اصول نیز در

12- nullum- crimen sine lege- nulla poena sine lege

کمیسیون ونیز گنجانده شده است. فرض برائت و حق برخورداری از محاکمه عادلانه در معیارهای مربوط به دسترسی به عدالت کمیسیون ونیز گنجانده شده است.

چالش دیگری که در برابر دیدگاه سنتی حاکمیت قانون وجود دارد این است که تا چه حد می‌توان قوه قضاییه را با تکیه بر هوش مصنوعی توسعه یافته توسط شرکت‌های خصوصی مستقل دانست. کمیسیون ونیز خواستار تضمین‌های قانونی برای تضمین استقلال قوه قضائیه است. به گفته کمیسیون ونیز، استقلال به معنای قوه قضاییه «عاری از فشار خارجی» است. در حالی که شرکت‌هایی که ارزیابی‌های الگوریتمی خطر را تولید می‌کنند ممکن است مستقیماً بر قضات فشار وارد نکنند. سؤالی که نیاز به مطرح کردن دارد این است که تا چه اندازه افراد (قضات، هیئت منصفه و افسران آزادی مشروط) جرات دارند در مقابل ارزیابی ریسک انجام شده توسط فناوری عمل کنند؟ این امر به نوبه خود مسائلی با ماهیت فلسفی را مطرح می‌کند که در آن فناوری با درجه‌ای از خودمختاری اعطاء می‌شود. الول استدلال می‌کند که فناوری از ارتباط آن با مشروعیت پیشرفت علمی به طور کلی، استقلالی به دست آورده است. به عبارت دیگر، فناوری به دلیل برداشت علمی و عینی از مشروعیت برخوردار است.

۳-۶- چالش ماهیت شخصیت حقوقی

سلسله مراتب ادعایی هوش مصنوعی؟ در ادبیات، از دو قیاس کلیدی هنگام بحث درباره امکان تصدیق شخصیت حقوقی یا شخصیت حقوقی برای سیستم‌های هوش مصنوعی استفاده می‌شود: یکی بین هوش مصنوعی و حیوانات و دیگری بین هوش مصنوعی و اشخاص حقوقی یا افراد جمعی.

بسیاری از محققان موافق هستند که ذهنیت قانونی به شکلی که برای یک انسان تأیید شده است منحصر به فرد است و نمی‌توان آن را به هوش مصنوعی تصدیق کرد، به ویژه به این دلیل که، حداقل در حال حاضر، هوش مصنوعی هیچ مدرکی دال بر هوشیار و باهوش بودن را نشان نمی‌دهد. در مقابل، قیاس با حیوانات مناسب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا توانایی‌های هوش مصنوعی در رابطه با انسان محدود است. از سوی دیگر، هوش مصنوعی را می‌توان مشابه موجودیت‌های جمعی در نظر گرفت، به این معنا که یک مخلوق مصنوعی است، یک مخلوق غیرزیستی فاقد احساسات و آگاهی. علاوه بر این، بر اساس دیدگاه سنتی غربی، حیوانات و اشخاص حقوقی در کنار انسان‌ها تنها نامزد واقعی برای ذهنیت حقوقی گسترده‌تر یا محدودتر هستند. بسیاری از حقوقدانان کشورهای خارجی اگر بدانند که در برخی کشورها یا

فرهنگ‌ها، رودخانه‌ها نیز به‌عنوان موضوع قانون شناخته شده اند، شگفت زده خواهند شد، مانند گنگ جامونا در هند و وانگانوی در نیوزیلند.

با این حال، استفاده از قیاس با حیوانات یا اشخاص حقوقی برای توجیه اعطای ذهنیت قانونی بالقوه به هوش مصنوعی مستلزم یک فرض سطحی خاص است. اولاً، این قیاس فرض می‌کند که یک سلسله مراتب یا توالی از موجودیت‌ها وجود دارد که بر اساس درجه تشابه آن‌ها با انسان سازمان‌دهی شده است و ثانیاً، جایگاه یک موجود در این سلسله مراتب یا توالی (بر اساس درجه توسعه) محدوده ذهنیت منسوب به آن را تعیین می‌کند. از این رو، حیوانات پایین‌ترین جایگاه را در سلسله مراتب دارند، زیرا به رغم برخورداری از احساس، فاقد عقل هستند که به طور سنتی به‌عنوان یک ویژگی اساسی و منحصر به فرد انسانی تلقی می‌شود. به همین ترتیب، هوش مصنوعی معاصر که فاقد احساس است و دلیل آن کامل نیست، جایگاه بعدی را می‌تواند بگیرد. جایگاه بعدی در سلسله مراتب توسط نهادهای جمعی گرفته می‌شود، زیرا آن‌ها فاقد احساس هستند، اما دلیل جمعی دارند. چنین عقلی با عقل انسانی مطابقت دارد و ممکن است از آن پیشی بگیرد زیرا بستر آن انسان است. سرانجام، در رأس سلسله مراتب، انسان‌ها قرار دارند. این‌ها باهوش هستند و دلیل دارند که بر اساس دیدگاه‌های سنتی بهترین نمونه اولیه در نوع خود است.

با در نظر گرفتن این طرز تفکر، می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر هوش مصنوعی به حدی توسعه یابد که بتواند به عقل کامل یا شکلی برتر از استدلال انسانی دست یابد و اگر کمی احساس به دست آورد، از موجودیت‌های جمعی بالاتر می‌رود و در رتبه بندی قرار می‌گیرد. هم‌تراز با انسان مدافعان این دیدگاه معتقدند که هوش مصنوعی نمی‌تواند ذهنیت قانونی متفاوتی با آنچه که حیوانات یا موجودات جمعی از آن بهره می‌برند به دست آورد، بلکه باید مشابه و مشتق باشد. بنابراین، در یک نظام حقوقی معین، نهادهای جمعی ممکن است برخی حقوق خاص برای انسان داشته باشند اما به حیوانات نسبت داده نشود، که بر اساس شباهت اعطاء شده است. در چنین سیستمی، هوش مصنوعی بالاتر از حیوانات است که ممکن است دارای حقوقی مشابه با انسان باشد. نمونه خوبی از این نوع تفکر در قانون کپی رایت نشان داده شده است: استدلال شده است که هوش مصنوعی را نمی‌توان به‌عنوان نویسنده بر اساس موارد مختلف مربوط به حیوانات، به ویژه مورد معروف سلفی میمون به رسمیت شناخت.

۴-۶- مشارکت یا حضور هوش مصنوعی در زندگی اجتماعی

با در نظر گرفتن موارد فوق و تأمل در اعطای ذهنیت قانونی به هوش مصنوعی، دو سؤال کلیدی مطرح می‌شود: اول این که آیا هوش مصنوعی در زندگی اجتماعی مشارکت می‌کند؟ دوم این که آیا هوش مصنوعی دارای ارزش ذاتی یا مفید برای روابط اجتماعی است یا خواهد بود؟. در پاسخ به این سؤال‌ها، باید به خاطر داشت که فرض بر این است که هوش مصنوعی از یک مرد تقلید می‌کند یا از او پیشی می‌گیرد، حداقل در یک حوزه مهم، یا شاید همه آن‌ها. البته چنین فرضی مستلزم تقلید یا فراتر رفتن از جنبه‌ها یا شخصیت‌های مثبت است و نه از جنبه‌های منفی که بر اساس معیارهای انسانی ارزیابی می‌شود.

با توجه به سؤال اول، هنگام مشاهده بازار تجاری، واضح است که هوش مصنوعی به زودی در زندگی اجتماعی شرکت خواهد کرد، حتی اگر در حال حاضر نباشد، به رغم این که بسیاری از مردم برعکس آن را باور دارند. حتی با اصرار بر این که هوش مصنوعی پتانسیل تصمیم‌گیری ندارد، اما یک انسان بر آن قدرت دارد و هوش مصنوعی تنها مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های انسانی، یعنی نتیجه استدلال را فراهم می‌کند، نمی‌توان انکار کرد که هوش مصنوعی با آن ارتباط برقرار می‌کند. یک مرد از طریق یک زبان قابل درک این توانایی را دارد که بر تصمیمات و شخصیت آن مرد تأثیر بگذارد. این یک عملکرد بسیار پیشرفته‌تر از یک ماشین حساب ساده است که برای محاسبه قیمت هنگام خرید یک کالا استفاده می‌شود. بیشتر «نقش» است تا «عملکرد». با این حال، در این مرحله مهم است که یک واقعیت متفاوت از باورهای رایج را برجسته کنیم: این استقلال عمل هوش مصنوعی نیست که مهم‌ترین ملاحظه است. حتی خودران‌ترین خودرو تنها وسیله سفر خواهد بود، با این فرض که به برخی از عملکردهای خاص مجهز نباشد.

پاسخ به سؤال دوم، در مورد ارزش ذاتی یا سودمند اجتماعی هوش مصنوعی، امروز نیز کاملاً واضح است. برای بسیاری از مردم در فرهنگ غربی، هوش مصنوعی ارزش اجتماعی مفیدی دارد. اگر این طور نبود، برای هوش مصنوعی قابل قبول نبود که شرکت یا درمان برای افراد مسن ارائه دهد. در این زمینه، این طور نیست که هدف وسیله را توجیه کند: همه ابزارهای رهایی از تنهایی قابل قبول نیستند. شخصی که با دوستانی که وجود ندارند صحبت می‌کند یا با خرس عروسی به عنوان موجودی زنده و احساسی رفتار می‌کند، اغلب مشکوک به انحراف روانی است و تحت فشار قرار می‌گیرد تا به دنبال کمک روانپزشکی باشد. با در نظر گرفتن این موضوع، چرا باید صحبت با یک هوش مصنوعی و ایجاد درجاتی از وابستگی

به آن قابل قبول و مفید تلقی شود؟ ما به وضوح در مورد این که یک هوش مصنوعی بخشی از زندگی اجتماعی شود، احساس نگرانی نمی کنیم.

نتیجه

حاکمیت قانون به عنوان یک مفهوم حقوقی، تا حدی گریزان است که هر چه بیشتر تلاش کنیم آن را تعریف کنیم، به نظر می رسد پراکنده تر می شود. طیفی که حاکمیت قانون را توصیف می کند طولانی است به عنوان یک ایده آل سیاسی، مکانیزمی برای محدود کردن سوءاستفاده از قدرت و همچنین مکانیزمی برای اطمینان از این که جامعه از ارزش های خاصی حمایت می کند، به عنوان مثال، حقوق بشر در نظر گرفته می شود. وجه مشترک حاکمیت قانون این است که به عنوان مفهومی تلقی می شود که به رغم حساسیت به سوءاستفاده سیاسی ارزش محافظت از آن را دارد. از طرفی فناوری های مدرن به طور فزاینده ای در جامعه مورد استفاده قرار می گیرند که هوش مصنوعی نمونه ای بارز آن است.

همان طور که تکنیک های یادگیری ماشین بهبود می یابد، سیستم های هوش مصنوعی نیز برای کمک به تصمیم گیرندگان انسانی در تقریباً همه زمینه ها استفاده می شوند. باید پیش بینی کرد که هر چه این فناوری ها در کمک به تصمیم گیری بهتر شوند، کنترل و مسئولیت بیشتری به آن ها منتقل می شود. بنابراین، مهم است که به این واقعیت توجه کرد که این فناوری ها آرمان های مرتبط با حاکمیت قانون را به عنوان مفهومی از قوانین سنتی به چالش می کشند. در پرداختن به آسیب های مرتبط با هوش مصنوعی در رابطه با حاکمیت قانون، وجه مشترکی که برجسته می شود، روشی است که به طور بالقوه مانع از شکوفایی انسان ها می شود. در حالی که این ممکن است به طور سنتی اولین ارتباط در رابطه با حاکمیت قانون به عنوان یک مفهوم نباشد، با این وجود مهم است که به عنوان عامل انسانی به عنوان سنگ بنای جامعه مطرح شود. در این پژوهش نتیجه می گیریم چالش و الزامات حقوقی پیش روی حقوق و آینده استفاده از هوش مصنوعی، غیرقابل پیش بینی است و باید نسبت به مواجهه با این چالش ها آینده نگری و برنامه ریزی شود.

پیشنهادها

نیاز به وضع حقوق بین المللی یکسان در رابطه با موضوع کاربرد و استفاده بدون خطر از هوش مصنوعی. وضع قوانین جزئی و دقیق در رابطه با استفاده کنندگان از هوش مصنوعی. قانونگذاری در حیطه حریم خصوص و کپی رایت یا مالکیت معنوی در استفاده از هوش مصنوعی. ایجاد ذهنیت حقوق هوش

مصنوعی در بین کاربران، تولیدکنندگان و توسعه دهندگان هوش مصنوعی. اگر زمانی «نژاد» جدیدی از ماشین‌های هوشمند در کنار ما وجود داشته باشد که دارای آگاهی در سطح انسان باشد نیاز به قانونگذاری برای آن به عنوان شخصیت حقیقی ماشین یا هوش مصنوعی است. مهم‌ترین نکته حقوقی در بحث هوش مصنوعی اعلام و اطلاع‌رسانی شفاف درباره نوع و تعداد داده‌های مورد استفاده توسط هوش مصنوعی و همچنین استفاده از برجسته مشخص هوش مصنوعی در مورد تولیدات و خدمات آن و تمایز تولیدات انسانی از هوش مصنوعی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- داور، محمدمهدی، ۱۴۰۲، مجاز انگاری استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی با استفاده از نظریه فارابی درباره حقوق طبیعی و سعادت، **فصلنامه تمدن حقوقی**، شماره ۱۸.
- ذاکری نیا، هانیه، ۱۴۰۲، ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در قوانین ایران و اعضای اتحادیه اروپا، **فصلنامه حقوق خصوصی**، شماره ۱.
- سیفی، آناهیتا و رزمخواه، نجمه، ۱۴۰۱، هوش مصنوعی و چالش‌های پیش رو در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر با رویکردی بر حق کار، **فصلنامه حقوق بشر**، شماره ۳۳.

لاتین

- Stanley, Greenstein, 2022, Preserving the rule of law in the era of artificial intelligence (AI), Artificial Intelligence and Law, Volume 30.
- Sylwia, Wojtczak, 2022, Endowing Artificial Intelligence with legal subjectivity, AI & SOCIETY, Volume 37.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the

Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two

Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com